



سینما

# بخشش گنج ملک سلیمان، به سینمای ایران

الهام رضایی

ملک سلیمان بنی



#### اشاره:

جهانی شدن (Globalization) فرایندی است که به تعبیر «مک لوهان» زمانی تحقق می‌یابد که سیاره زمین به دهکده‌ای جهانی تبدیل شده است و در این بین تمامی ابزار به فراخور توانایی و وسع‌شان به خدمت گرفته شده‌اند، اما برخی حوزه‌ها و ابزارشان نقش پررنگ‌تری را ایفا می‌کنند. برخی حوزه‌ها همچون حوزه فرهنگی و برخی ابزار همچون رسانه‌ها و سینما که مردم اقصی نقاط جهان را به یکدیگر مرتبط می‌سازند تا آن‌جا که این مردمان که هرگز یکدیگر را ندیده‌اند، منافع و اعتقادات ارزشی مشترکی می‌یابند. گفته‌مک لوهان همین‌جا اعتبار می‌یابد که اشاره دارد «در دهکده جهانی، محتوای پیام، اصل و تعیین‌کننده نیست؛ بلکه نقش عمده را رسانه‌ای ایفا می‌کند که عهده‌دار انتقال فرهنگ می‌باشد.» در سایه آن محصولات (ملک سلیمان) به ظاهر ملی، اما فرامرزی بر بلندای درخشیدن می‌گیرند و گستره وسیعی از مخاطبان را مجذوب خویش می‌سازند.

قرآنی و شعف‌انگیز است که در پرداخت شخصیت محوری، دقتی خاص منظور شده و نسبت به نمونه هالیوودی‌اش، محوریت قصه از آن پیامبر می‌باشد، در حالی که سایر آثار خارجی با افزودن جاذبه‌های دروغین، خرافه‌های تاریخی و بزرگ‌نمایی اختلافات میان شخصیت‌های اصلی فیلم‌ها که پیامبران هستند و عمده اختلافات بر سر قدرت می‌باشد، سعی شده از شکوه معصومانه سلیمان نبی کاسته شود.

#### الگوهای هالیوودی

پس از پدیده جن‌گیری و ویلام فرید کین، نگاه‌های دینی که جن‌گیری را کنار گذاشته بودند، دوباره آن را احیا کردند و به آموزش کشیش‌ها در خصوص مبارزه با شیاطین و جن‌گیری پرداختند. از آن پس پدیده جن‌گیری به فرهنگ عامه جهانی منتقل شد. در ملک سلیمان هم سازندگان این اثر با هدف اقتباس قرآنی، اما با بهره‌گیری از الگوهای متداول، به ارائه متدهایی نظیر جن‌گیری و ... پرداختند، حال آنکه این الگوها مغایر با تشریح و باورهای موجود در مکتب اسلام است.

ورود برخی موجودات و تغییر شکل انسان‌ها به صورت زامبی و یا انسان‌های تسخیر شده توسط شیاطین، خاص الگوهای هالیوودی است، اما ملک سلیمان با اقتباس قرآنی می‌بایست از جایگاه و

سلیمان اعتقاد دارد که «ملک سلیمان به لحاظ قصه‌پردازی و رسیدن به واقعیت‌ها هیچ نقطه تاریکی ندارد و تلاش شده تا در جریان کار به مستندات و اطلاعاتی که از آن مقطع تاریخی وجود دارد، استناد شود.»

وی در خصوص استفاده از تکنیک جلوه‌های ویژه رایانه‌ای، قدم‌های برداشته شده در این عرصه را مهم و به روز می‌داند. شهریار بحرانی در مورد استفاده از جلوه‌های ویژه و طراحی‌های ملک سلیمان، عمده تلاش‌های انجام شده را براساس واقعیات معرفی می‌کند، اما در بخش تصویرسازی و جلوه‌های ویژه (جنیان و شیاطین) علاوه بر استناد به واقعیات‌های موجود، تخیل را نیز دخیل می‌داند.<sup>۴</sup>

#### ملک سلیمان از منظرهای دیگر نگاه تطبیقی

اگر ملک سلیمان را با نمونه ایتالیایی‌اش - ملکه سبا ساخته پیترو فرانسیچی محصول ۱۹۵۲ - مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم «ساخته فرانسیچی فاقد بدنه روایی شفاف با جاذبه‌های محتوایی است. این نمونه ایتالیایی کشار به صورتی کاملاً تئاتری ساخته شده است. در مقایسه با سلیمان و ملکه سبا (کینگ ویدور) - محصولی هالیوودی و تحت تأثیر نظام استودیوی آن دوران - آخرین ساخته بحرانی، اقتباسی

باورش سخت است، اما حقیقت دارد: «فروش ملک سلیمان در ۹۰ روز اکران، از سه میلیارد تومان فراتر رفت.»<sup>۲</sup> این عبارت را بارها و بارها از رسانه‌ها و در برخی نشریات مخصوصاً نشریات زرد شنیده و دیده‌ایم. عباراتی که ابتدا متعجبمان کرد، اما با کمی تأمل، مشاهده و حسابی سرانگشتی، متقاعدمان ساخت. طبق آخرین آمار ارائه شده (تا تاریخ ۸۹/۱۰/۱۹) فروش ملک سلیمان در سینماهای منتخب پایتخت به رقم یک میلیارد و ۵۳۱ میلیون تومان رسید و این در حالی بود که فروش این فیلم در سینماهای شهرستان‌ها تا همین تاریخ به مبلغ یک میلیارد و ۴۷۲ میلیون و ۹۵۵ هزار تومان رسید. شایان ذکر است اکران ملک سلیمان در تهران و شهرستان‌ها همچنان ادامه دارد.

اما به راستی چه مشخصه‌هایی به ملک سلیمان، چنین سمت و سویی داد؟ به گفته سازندگان و دست‌اندرکاران ملک سلیمان، «فیلمنامه این کار، ۳۹ بار بازنویسی شده است.»<sup>۳</sup> پس با دیدی خوش‌بینانه می‌توان فیلمنامه ملک سلیمان را نسبت به سایر تولیدات ملی در عرصه سینما، در حد بهتر و مطلوب‌تری قرار داد، اما این به آن معنا نیست که ملک سلیمان را مبرا از هرگونه عیب و نقصی بدانیم. هر چند شهریار بحرانی کارگردان ملک

# سلیمان بنی



در منطقه و جهان ارتقاء دهد. در این برنامه «فرهنگ و هنر متعالی»، سیدمحمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در راهبردهای خویش و در بخش سینمایی و سمعی بصری به امور زیر اشاره دارد:

تلاش برای دستیابی به بهترین شیوه‌های مردمی کردن سینما و دیگر عرصه‌های فرهنگی و هنری با هدف زمینه‌سازی و ارتقای فرهنگ تصویری و فراهم آوردن مطلوب‌ترین شرایط ارائه محصولات سمعی و بصری از نظر کمی و کیفی برای مخاطبان؛

نشر هنر، فرهنگ و ارزش‌های اسلامی ایرانی در خارج از مرزها از طریق سینما و دیگر محصولات فرهنگی؛

معرفی هرچه بیشتر و ارتقای جایگاه سینمای ملی به جهان از طریق افزایش تولیدات سینمایی معناگرا در کشور برای ارتقای سهم ایران در تولیدات جهانی؛

اهتمام بیشتر به زیرساخت‌های فنی توسعه سینما، فرهنگ و هنر؛

تلاش برای گسترش و تقویت فعالیت‌های سینمایی و بصری در کل کشور، به ویژه نقاط محروم؛

حمایت از تولید و افزایش محصولات سینمایی (ایران) در شبکه نمایش خانگی (ویدئو رسانه‌ها) با مشارکت بخش خصوصی و صدا و سیما با هدف رسیدن به برنامه هر روز یک فیلم؛

ظرفیت‌سازی برای افزایش سهم تولیدات سینمایی در حوزه دفاع مقدس برای خلق آثار فاخر با همکاری و حمایت نیروهای مسلح کشور؛

تدوین طرح جامع توسعه و بازسازی سینماها و مجتمع‌های فرهنگی و ساخت سینما و مجتمع‌های فرهنگی جدید و تالارهای نمایش با اولویت شهرهای فاقد آن؛

طراحی و برنامه‌ریزی و تنظیم سیاست‌های کلی برای کشف و جذب استعدادها و به کارگیری آنان؛

طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی جهت تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص هنری و فنی در زمینه سینما و دیگر فعالیت‌های سمعی و بصری و همچنین ارتقای مهارت‌های موجود با همکاری دانشگاه‌ها و نیز از طریق نهادهای مسئول مانند سینمای جوان، مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و...؛

تقویت نقد علمی از تولیدات سینمایی و هنرهای نمایشی؛

حمایت از برگزاری نمایشگاه‌ها و

می‌باشند. در حقیقت فیلم‌های حماسی و تاریخی با نبردی نهایی (نبرد خیر و شر) پایان می‌یابد، اما در ملک سلیمان برخی صحنه‌ها با ابهام و سکون همراه است. گاه به کارگیری نماهای نزدیک (مانور دوربین بر صورت بازیگر نقش اول) کاملاً محسوس است. بعضاً همین بازیگر دیالوگی ندارد و آنچه به چشم می‌خورد، ایست تصویری می‌باشد که زبان تصویری فیلم را دچار لکنت می‌کند. نوع ارتباط با خداوند متعال

در فصول تمامی پیامبران، شیوه ارتباط آن‌ها با پروردگار، عموماً غیرمستقیم و توسط فرشتگان مقرب خداوند (جبرئیل) صورت می‌گیرد، اما در ملک سلیمان، برخی منتقدان اعتقاد دارند این قاعده به درستی و به وضوح رعایت نشده است.<sup>۵</sup> حال اگر از تعریف و تمجیدها و انتقادات ریز و درشت بگذریم و تنها به همان فروش بالای ملک سلیمان دل خوش کنیم، این محصول از تولیدات موفق ملی به شمار می‌رود که می‌تواند همچون محصولات هم‌تراز خود، جایش را در بین سایر ملل و حتی مذاهب دیگر باز کند؛ اما این مهم نیازمند توجه و اقدامات جدی‌تری است تا آن‌جا که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز به منظور تحقق این امر و با برنامه‌ای تحت عنوان «فرهنگ و هنر متعالی» سعی دارد تا جایگاه ایران را

حساسیت‌منازایی برخوردار باشد. فرصت‌های آزمون و خطا ساخت و کارگردانی یک محصول، فرصت‌های آزمون و خطای بسیاری را به وجود می‌آورد. در ملک سلیمان هم

**ورود برخی موجودات و تغییر شکل انسان‌ها به صورت زامبی و یا انسان‌های تسخیر شده توسط شیاطین، خاص الگوهای هالیوودی است، اما ملک سلیمان با اقتباس قرآنی می‌بایست از جایگاه و حساسیت متمایزی برخوردار باشد.**

این اتفاق رخ می‌دهد. چنانکه می‌بینیم کارگردان در چیدمان تصاویر و تلفیق او از دکوپاژهای مختلف به خطا می‌رود. به طور مثال در بخش‌های سوارکاری و سفر سلیمان به شهرهای مختلف، به رغم این‌که سعی شده تا این تصاویر حماسی‌تر و باشکوه هرچه تمام‌تر به نظر برسند، اما در همین هنگام و در اوج قدرت‌نمایی، تصاویر کات می‌خورد و قطع می‌شود، حال آن‌که در آثار حماسی کلاسیک سینما، این تصاویر مقدمه یک نبرد



سینماگر فلسطینی از جمله: الیاس سلیمان، رشید مشاراوی، هشام کید، هانی ابوسعده و ... در بیانیه‌ای به این مانور تبلیغاتی اعتراض کرده‌اند، اما اسرائیل سرمایه‌گذاری کلانی را بر سینما انجام داده است. در این بین با جذب برخی از فیلمسازان عرب و فیلم‌هایی در خصوص فلسطین «و اینک بهشت» به کارگردانی «هنی ابواسد» سیاست خود را دنبال می‌کند که این فیلم به جز «تل‌آویو» در کشورهای اروپایی و آمریکایی هم به نمایش درآمد، شاید به این دلیل که موضوع فیلم، عملیات انتحاری می‌باشد.

صاحب‌نظران اعتقاد دارند حرکت اسرائیل در سینما بر دو محور اشاعه و تولید آثار سفارشی در خصوص هولوکاست که در هالیوود هم دنبال می‌شود و دیگری حمایت کنترل شده از فیلمسازان عرب برای همه‌گیر کردن موضوع اسرائیل در سطح جهان، متمرکز شده است.<sup>۱</sup> در نهایت با هر نگاه و از هر منظری که به سینما بنگریم، این پرده جادویی، چشمان بشریت را خیره کرده تا سرگرمی‌ای باشد آمیخته با افسونگری برای آخر هفته‌های دهکده کوچک جهانی ما!!

پی‌نوشت‌ها:

۱. ماهنامه سینما و ادبیات، ش ۷، مهر ۸۷؛ مقاله جهانی شدن و سینما از علی جعفرزاده.
۲. سایت علی‌رضا پورصباغ.
۳. Daily link - دیلی لینک.
۴. نقدی بر ملک سلیمان، منابع: فارس، خیر آنلاین و آفتاب.
۵. نقد فیلم ملک سلیمان، سایت گوگل.
۶. سایت گسترش صنعت، تربیون صنعت و معدن ایران، دی‌ماه ۸۹.
۷. مقاله جهانی شدن و سینما، علی جعفرزاده.
۸. سایت آوینی، نقشه جهانی صهیونیسم برای سینمای جهان

**در قصص تمامی پیامبران، شیوه ارتباط آن‌ها با پروردگار، عموماً غیرمستقیم و توسط فرشتگان مقرب خداوند (جبرئیل) صورت می‌گیرد، اما در ملک سلیمان، برخی منتقدان اعتقاد دارند این قاعده به درستی و به وضوح رعایت نشده است.**

**و باز صهیونیست‌ها**

«صهیونیست‌ها که مدت‌هاست در هالیوود به عنوان مرکز قدرت سینمای جهان نفوذ کرده‌اند، در سال‌های اخیر مسیر دیگری را برای نفوذ در سینمای جهان و به ویژه خاورمیانه دنبال می‌کنند. این اقلیت که از سوی یهودیان بی‌شماری نیز طرد شده‌اند، از سال‌ها قبل با برگزاری فستیوال‌های فیلم تلاش کرده‌اند جای پای خود را در سینما محکم کنند. جالب است که برخی از این جشنواره‌ها با کمک برخی دولت‌های دیگر انجام می‌شود؛ مانند چهاردهمین جشنواره فیلم اسرائیل در نیویورک که در این جشنواره اسرائیل و آمریکا با همکاری هم فیلم‌هایی را نمایش می‌دهند که در خارج از اسرائیل قابل دسترسی نمی‌باشد. اسرائیل هر ساله، یک جشنواره را هم در ماه نوامبر در شیکاگو برگزار می‌کند، اما به تازگی رژیم اشغالگر قدس از طریق «بنیاد نوین سینما و تلویزیون اسرائیل»، تلاش گسترده‌ای را برای تولید مشترک بین اسرائیل و فلسطین و تصاحب بازار سینمای جهان انجام داده است.

طبق گفته‌ی امیر اسفندیاری، مدیر امور بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی، «۴۰

جشنواره‌های مختلف فرهنگی و هنری در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی برای فراهم‌سازی عرصه محصولات فرهنگی و هنری در راستای کمک به هنرمندان.»

حال باید دید با این برنامه‌ها که در دولت دهم و مجلس شورای اسلامی دنبال، پیگیری و اجرا می‌شود، می‌توان به بازارهای جهانی دست یافت؟

**باز آمریکا و هالیوود**

همه آرزو می‌کنیم کاش جواب این سؤال مثبت باشد، اما در شرایط فعلی «زرق و برق و ابزارهای تبلیغاتی و جذابیت‌های ایژکتیو هالیوود و رسانه‌های قدرتمند آمریکایی به کمک محصولات هالیوودی آمده و به تکثیر فرامتنی فیلم‌های هالیوودی پرداخته، آنچنان که با کمک گسترش رسانه‌ها، امپریالیسم رسانه‌ای و امپراتوری فرهنگی ایجاد کرده است. پس فرایند جهانی شدن را تبدیل به فرایند آمریکایی شدن می‌کند که در آن همه چیز رنگ و بویی آمریکایی به خود می‌گیرد و استثمارشدگان، فرهنگ و حتی کالاهایی را که در قالب این هجوم رسانه‌ای به آن‌ها القا می‌شود، همچون بت می‌پرستند. امروزه مرد عنکبوتی تنها یک فیلم نیست؛ عروسک‌هایش، لباس‌هایش، عکس‌ها و پوسترها نیز ماهیتی زنده و فراسینمایی یافته‌اند و هالیوود با محصولات رنگ و وارنگ خود؛ سیاست، اقتصاد و الگوهای نقشی جوامع پیرامونی را تحت تأثیر قرار داده است.

**گاه جهانی شدن با اشاعه فرهنگی بومی همراه می‌شود**

به جهانی شدن از منظری غیرغربی نیز می‌توان نگاه کرد. درست مانند جهانی شدن اقتصاد و شرکت‌های فراملیتی ... فراملیتی‌های ژاپنی برخلاف سایر شرکت‌ها، همچنان هویت شرقی خود را حفظ کرده و از مرکزگریزی و بی‌هویتی اجتناب کرده‌اند. در حوزه سینما، این شرکت‌ها با حفظ ویژگی‌های ملی و آئینی خویش، سعی در گسترش فراتر از مرزهای خود دارند که مهم‌ترین آن‌ها سینمای شرق آسیا (کره، ژاپن، چین و ...) بوده است؛ چرا که محصولاتشان برای همه مخاطبان در همه جای جهان ساخته می‌شود؛ فیلم‌های کوروساوا با تمام عناصر بومی و رزم‌آوری و سامورایی و ... ژاپن دقیقاً سینمایی است جهانی.<sup>۲</sup>